

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه‌ای از منشور روحانیت

امام خمینی (ره)

بی تردید تشیع، حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام، مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج‌روی‌ها بوده‌اند.

حوزه‌های علمیه از نظر منابع، شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار هستند و برای بررسی عمیق همه‌جانبه علوم اسلامی، طریقه‌ای مناسب‌تر از علمای گذشته، یافت نمی‌شود.

حوزه و روحانیت، پیشکسوتان شهادتند. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالوصفت، تشنه است و در ترویج روحانیت و فقاہت، نه زور سرنیزه بوده است نه سرمایه پول‌پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر، صداقت و تعهد خود آن‌ها بوده است که مردم را برگزیده‌اند.

مخالفت روحانیت با مظاهر تمدن در گذشته، صرفاً جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ مبتذل غرب، موجب شده بود که آنان با پدیده‌ها و اختراعات، برخورد احتیاط‌آمیز کنند. علما چون دروغ و فریب بسیاری از جهان‌خواران را دیده بودند، به هیچ چیز اطمینان نمی‌کردند. مثلاً رادیو و تلویزیون را مقدمه ورود استعمار می‌دانستند لذا گاهی حکم به منع آن می‌دادند.

کتاب آیات شیطانی، کاری حساب شده برای زدن ریشه دین بود.

روحانیون وابسته مقدس‌نما

روحانیون وابسته و تحجّرگرا در حوزه‌های علمیه، علیه انقلاب و اسلام ناب، فعالیت می‌کنند. روحانیون تحجّرگرا مروج اسلام آمریکایی‌اند.

استکبار وقتی از نابودی مطلق روحانیت ناامید شد، ۲ راه را برای ضربه زدن انتخاب نمود:

۱- راه ارباب و زور که در قرن معاصر چندان کارگر نشد.

۲- راه خدعه و نفوذ که این راه، تقویت شد.

جدایی دین از سیاست

این حربه تا حدی در حوزه و روحانیت، کارگر شد که دخالت در سیاست، دون شأن فقیه و ورود به آن، تهمت وابستگی به اجانب را به همراه داشت. هنگامی که این تفکر، جا افتاد، کار به جایی رسید که روحانیت، زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سراپای وجودش ببارد و گرنه روحانی سیاست و کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه داشت.

یادگرفتن زبان خارجی، کفر بود و فلسفه و عرفان، گناه و شرک محسوب می‌شد. اگر همین روند ادامه پیدا می‌کرد، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد. هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر، آمیخته است و باید مواظب بود که این تفکر به طلاب جوان، سرایت نکند.

شعارهای گمراه‌کننده

برخی شعارهای گمراه‌کننده:

۱- شاه، سایه خداست.

۲- با گوشت و پوست، نمی‌توان در مقابل توپ ایستاد.

۳- ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم.

۴- حکومت قبل از ظهور امام زمان(عج)، باطل است. (شکننده‌تر از همه شعارها)

شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. مقدس‌نماهای بی‌شعور، دیروز می‌گفتند: دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه، حرام است. امروز می‌گویند: مسئولین نظام، کمونیست شده‌اند.

اولین وظیفه شرعی و الهی برای جلوگیری از تکرار حوادث تلخ و اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها، حفظ اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی است. اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریت‌ها نباید مانع وحدت طلاب و علما شود و نباید لحن و تعابیر و افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی به سمت مسائل فرعی، منحرف کند.

اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم، در جنگ به اهداف بلندتری می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود، مغلوب دشمنان شده‌ایم.

برکات جنگ

ما هر روز در جنگ، برکتی داشته‌ایم:

۱- انقلابمان را در جنگ، به جهان صادر نمودیم.

- ۲- ما در جنگ، پرده‌ای از چهره تزویر جهانیان، کنار زدیم.
- ۳- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ، ثابت کردیم.
- ۴- ما در جنگ، چهره دشمنان و دوستانمان را شناختیم.
- ۵- ما در جنگ، به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ۶- ما در جنگ، ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ۷- ریشه انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ۸- حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردم، بارور کردیم.
- ۹- ما در جنگ، به مردمان منطقه و جهان نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها، سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- ۱۰- به فتح افغانستان و فلسطین، کمک کردیم.
- ۱۱- تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام، احساس ذلت کردند.
- ۱۲- جنگ ما، در پاکستان و هندوستان موجب بیداری شد.
- ۱۳- صنایع نظامی رشد کرد.
- ۱۴- روح اسلام انقلابی، استمرار یافت.

جنگ ما، جنگ حق و باطل و فقر و غنا بود که تمام نشدنی است. جنگ ما، جنگ ایمان و رذالت بود.

ادای تکلیف، نه نتیجه

ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع بوده است. تأخیر در رسیدن به همه اهداف، دلیلی نمی‌شود که ما از اصول خویش، عدول کنیم.

ملت ما توانسته در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است، به موفقیت نائل شود.

ما موفق بوده‌ایم

البته معترفیم در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روش‌ها و تاکتیک‌ها را عوض کنیم. طلاب باید مواظب القائات روحانی‌نماها باشند و از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها، عبرت بگیرند و سبب مراجعت آنان به پست‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام، نشوند.

لیبرال‌ها از اول هم با انقلاب نبوده‌اند

من اعتراف می‌کنم بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌های کلیدی و امور مهم کشور به گروهی که عقیده واقعی به اسلام نداشتند، اشتباهی بوده که تلخی آن، به راحتی از میان نمی‌رود. گرچه من شخصا مایل به روی کار آمدن آنان نبودم و با صلاح دید و تأیید دوستان، قبول نمودم.

آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش، قناعت نمی‌کنند. آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشتند و دارند، گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از تمامی اصول.

تا من هستم نخواهم گذاشت...

- ۱- نخواهم گذاشت که حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد.
- ۲- نخواهم گذاشت که منافقین، اسلام مردم را از بین ببرند.
- ۳- از اصول نه شرقی و نه غربی، عدول نخواهم کرد.
- ۴- دست آمریکا و شوروی را در تمامی زمینه‌ها، کوتاه خواهم کرد.

اختلاف به هر شکلی، کوبنده است

دشمن از دیرباز آماده اختلاف‌افکنی میان روحانیون است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم «فقه سنتی» و «فقه پویا» به مرز جبهه‌بندی می‌رسند، آغاز باز شدن راه دشمنان خواهد بود. جبهه‌بندی نهایتاً معارضة پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل، واژه و شعاری انتخاب می‌کند. یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود.

فقه سنتی و اجتهاد جواهری

زمان و مکان، دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند و پایبندی به فقه سنتی و اجتهاد جواهری به معنای پویا نبودن فقه اسلام نیست.

ویژگی مجتهد:

- ۱- به مسائل زمان، احاطه داشته باشد.
- ۲- در مسائل سیاسی، اظهارنظر کند.
- ۳- به روش برخورد با فرهنگ‌های حاکم بر جهان، آشنایی داشته باشد.
- ۴- دید و بصیرت اقتصادی داشته باشد و از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان اطلاع یابد.

۵- زیرکی، هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر داشتن خلوص و تقوا و زهد، واقعا مدیر و مدبّر باشد.

حکومت، فلسفه عملی تمامی فقه است

فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع، از گهواره تا گور است.

هدف اساسی، چگونگی پیاده‌سازی فقه در جامعه و پاسخگویی به معضلات است. همه ترس استکبار از این است که فقه و اجتهاد، جنبه عملی و عینی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود بیاید.

هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه‌طلب بی درد و نقزن گردد. نتیجه می‌گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرت‌ها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند.

ایادی شیطان در تنگناها و سختی‌ها به سراغ مردم می‌روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارسایی‌هاست، آن هم کدام روحانی، روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابره‌نه‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر آمریکا و جهان‌خواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.

کتاب کفرآمیز آیات شیطانی

دیگر مسئله عرب و عجم و فارس و ایران نیست بلکه اهانت به مقدسات اسلام نیست بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تا امروز و از امروز تا همیشه تاریخ است.

ضرورتی نیست که ما در چنین شرایطی، ما به دنبال ایجاد روابط گسترده باشیم چرا که ممکن است دشمنان تصور کنند که ما به وجود آنان وابسته شده‌ایم که از کنار اهانت به مقدسات دین‌مان، ساکت و آرام می‌گذریم.

بعضی‌ها بر این باورند که شعارهای تند یا جنگ، سبب بدبینی شرق و غرب نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است. خداوند می‌خواست کتاب کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان، ظهور یابد تا ما از ساده‌اندیشی به‌درآییم.

فقه عملی اسلام

ما باید بدون توجه به شرق و غرب و دیپلماسی حاکم بر جهان، در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم. مادامی که فقه در سینه‌هاست، ضرری به جهانخواران نمی‌رسد. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیازهای آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مہیای عکس‌العمل مناسب باشند.

اگر طلبه، منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت مردم در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث و اجتهاد، نپذیرد، در پیشگاه خداوند، مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجّه نیست.